

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: حب آخرت ۶

تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۳۸۷؛ ۷ رمضان المبارک ۱۴۲۹

مکان: اصفهان، حوزه علمیه ملا عبدالله

موضوع بحث پیرامون ایجاد و تقویت حب آخرت در وجود انسان بود، چهارده عامل آن را مورد بررسی قرار دادیم.

۱. حرکت به سوی نعمتهای بزرگ الهی.
۲. آخرت، محل دریافت رضوان الهی.
۳. قیامت، دار قرار.
۴. ورود به آخرت عامل یقین به آن.
۵. لذت‌های ناب و بی غصه.
۶. آخرت باطن دنیا.
۷. آخرت، مراد پروردگار عالم.
۸. حریص به آخرت مالک و حریص به دنیا هالک است.
۹. آخرت تجلی گاه فوز و رستگاری و سعادت انسان.
۱۰. طالب آخرت، دنیا طالب اوست.
۱۱. حیات آخرت، حیات واقعی.
۱۲. آخرت، گوهری بدون جایگزین.
۱۳. یاد آخرت مشوق انسان به عمل صالح و دوری از گناه.
۱۴. یاد آخرت مانع از لهو و لعب.
۱۵. تحقق هدف خلقت در آخرت.
۱۶. غنای روحی.
۱۷. انسجام در کارها.
۱۸. استکمال رزق.

۱۹. بهشت، سرای دلپسند

نوزدهمین عامل ایجاد حب آخرت، علم به این مطلب است که بهشت سرای مورد رضایت بهشتیان است و همین مورد

پسند بودن، اشتیاق انسان را برای ورود به آن بیشتر می‌کند.

برای نزدیک شدن به ذهن مثالی را عرض می‌نمایم. کسی که می‌خواهد خانه‌ای بخرد یا اجاره کند، مکان‌های زیادی را می‌بیند تا خانه مطلوب و مورد پسندش را پیدا کند و آنچه را پسندید دوست می‌دارد و در آن ساکن می‌شود. دلیل مورد پسند واقع شدن هم امتیازاتی است که نسبت به مکان‌های دیگر دارد.

قرآن کریم در مورد بهشتیان در بهشت می‌فرماید: «لَيَدْخُلْنَهُمْ مُدْخَالًا يَرْضَوْنَهُ»؛ «(خداوند) حتماً آنها را در جایگاهی وارد می‌کند که می‌پسندند».

این آیه یکی از تعبیرات بی نظیر قرآن است که در بین حدود ۴۰۰ آیه که در این موضوع مرور می‌کردم مشابه آن را نیافتم. انسان با مقداری تأمل در مورد این تعبیر، درمی‌یابد که اگر بهشت مورد رضایت کسی قرار بگیرد، به چه آسایش و مقامی دست پیدا می‌کند و دیگر چه نعمتی از خدا می‌خواهد؟! به خصوص اینکه تعبیر «مرضی بودن» فقط در مورد بهشت آمده و حتی قبر مؤمن نیز که باغی از باغهای بهشت است^۲ این‌گونه توصیف نشده است.

در مورد خانه‌های دنیا نیز، اگر به کسی بگویید جایی را سراغ داریم که تمام خواسته‌هایتان در آن محقق است و اگر ببینید حتماً می‌پسندید، میل درونی او را برای دیدن و استقرار در آن منزل برمی‌انگیزید.

بنابراین وقتی خدای متعال دلپسند بودن بهشت را به بندگانش وعده می‌دهد چون به گفته او اطمینان داریم، شک در پسندیده بودن آن نکرده و وقتی بهشت و سرای جاودان مورد پسند انسان شد، خود به خود شوق و محبت انسان هم به آن جلب می‌شود.

۲۰. نعمت‌های بهشتی، در انحصار مؤمنین

از عوامل تولید محبت آخرت در دل انسان، توجه به مختص بودن نعمت‌های بهشتی برای مؤمنین است درحالی‌که نعمت‌های دنیایی فقط برای مؤمنین نیست و دیگران هم از آن استفاده می‌کنند.

خود خالص بودن نعمت برای انسان و اینکه دیگران در آن اشتراکی نداشته باشند موجب لذت است چرا که معمولاً انسان‌ها از اشتراک با دیگران در مورد اشیاء پیرامون خود ناراحت می‌شوند. برای همین است که در بعضی از روایات به پرهیز از شراکت با دیگران توصیه شده است.

برای مثال اگر قصد کاری را به صورت شراکتی دارید - مانند خرید خانه - در حالی که راه برایتان باز است و می‌توانید به تنهایی اقدام کنید، از شراکت خودداری کنید. در مواردی هم که مجبور به شراکت شدید سعی کنید محدوده آن را کم کنید. مثلاً به جای ۵ شریک از دو شریک استفاده کنید.

در موضوع ارث نیز همین‌طور است یعنی اگر چند نفر در مالی از راه وراثت شریک شدند وظیفه‌شان این است که در اولین فرصت شراکت را کم یا برطرف کنند. یعنی مال را بفروشند و سهم افراد را بدهند. و این حکم، از دستورات عقل نیز هست. چه بسا بی‌اعتنایی به حذف شرکاء و باقی‌گذارن مال ارثی مشکلات بزرگی را برای انسان ایجاد می‌کند که خروج از آن تقریباً غیر ممکن می‌شود.

۱. حج، ۵۹.

۲. قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام): «إِنَّ الْقَبْرَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»؛ «همانا قبر باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های

جهنم است» بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۶ / ص ۲۱۴.

بنابراین چیزی که مشترک باشد با آنکه خالص و انحصاری باشد خیلی تفاوت می‌کند. چون اختیار مال انحصاری به دست خود او است و هر گونه که بخواهد از آن استفاده می‌کند.

نکته‌ای درباره وقف

وقف که از موضوعات مورد تأکید دین اسلام است و برکاتی را برای دیگران به ارمغان می‌آورد، اما از نظر شرعی مشکلاتی هم دارد که معمولاً واقفین از آن‌ها غافلند.

وضعیت فعلی موقوفات در جامعه به شکلی است که نمی‌توان از استفاده شدن اموال و سرمایه‌های موقوفی در جای صحیح خود اطمینان حاصل کرد و معلوم نیست نیت واقفین محقق شده باشد یا نه آنچه بر واقفین لازم است ملاحظه شرایط کنونی و مشورت با علما است تا با علم کامل به شرایط و احکام شرعی، از مشکلات کنونی جلوگیری شود.

استفاده کنندگان از وقف نیز باید دقت مضاعفی داشته باشند زیرا ممکن است در زمان استفاده از مال وقفی، ضرر و آسیبی به آن وارد کنند و از لحاظ شرعی ضامن شوند.

البته در مورد اشیائی مانند کتاب، که در زمان‌های قدیم امکانات مورد نیاز برای تکثیر و توزیع آن در اختیار مردم نبوده است، برای جلوگیری از اسراف و بی‌استفاده ماندن کتاب، آنها را وقف می‌کردند که طبیعتاً در این زمان منتفی می‌شود. به هر حال هدیه کردن اشیاء هم مشکلات کمتری دارد و هم برای دیگران قابل استفاده‌تر است.

ادامه موضوع

قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره اعراف می‌فرماید: «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ «بگو: آنها [نعمت‌ها] در زندگی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده‌اند (هر چند کفار هم با آنها شرکت جویند) در حالی که در روز قیامت مخصوص آنها خواهد بود».

حجاب، مانع اشتراک

در ادامه به دو نکته به مناسبت این موضوع اشاره می‌نماییم:

۱. اهمیت حجاب برای خواهران گرامی

رعایت دقیق حجاب برای زنان، آثار بسیار مثبت و سازنده‌ای را برای استحکام بخشیدن به بنیان خانواده ایجاد می‌کند. از جمله اینکه رعایت حجاب زنان را به شوهرانشان مختص می‌کند و او را از اشتراک خارج می‌کند و در نتیجه وقتی زن مختص شوهر شد، اطمینان و دلگرمی را در شوهر ایجاد می‌کند و زندگی شیرینی را به ارمغان می‌آورد. که رعایت این مهم از دستورات اساسی دین است.^۳ اما انسان‌های غربی به خاطر دور بودن از دین، بی‌فرهنگ مانده و هنوز متوجه این معارف بلند نشده‌اند. البته دوری از دین انسان را سفیه و کم عقل می‌کند.

^۳ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً»؛ «ای پیامبر، به همسران و دختران و زن‌های مؤمنان بگو روسری‌ها و چادرهای خود را بر خویش بپوشانند (که گردن و سینه و بازو و ساق‌ها پوشیده شود) این (کار) نزدیکتر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است» احزاب، ۵۹.

در تأیید این نکته خداوند متعال در سوره بقره آیه ۱۳۰ می‌فرماید: «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ»؛ «و کیست که از آیین ابراهیم روی گرداند جز آن که قدر خود را نشناخته و خود را به نادانی زند؟!» در بعضی از روایات نیز اشاره شده است که عقل سالم، عقلی یکتاپرست است.

آنها (غربی‌ها) فکر می‌کنند اگر زن بی حجاب و بی‌بند و بار شد، هم پای مرد می‌شود. درحالی‌که این گونه نیست و زن در صورت بی‌حجابی دچار آفت و مشکل بزرگتری می‌شود که آن اشتراک است یعنی این خانم بین شوهر خود و مردان دیگر مشترک می‌شود و استمتاع از این زن دیگر منحصر به شوهرش نیست.

نتیجه شوم این پدیده این است که محبت این خانم فقط در دل شوهرش نیست و چندین نفر دیگر هم به او علاقمندند. و چه بسا این علاقه به ارتباط هم کشیده شود و آهسته آهسته در پرتگاه سقوط قرار گیرد.

۲. ارتباط دختر و پسر، بالای خانمانسوز

در روابط دختر و پسر نیز گاهی دو نفر به بهانه ازدواج مدتی با هم رفیق می‌شوند که البته در پایان بعضی منجر به ازدواج می‌شود و بعضی خیر. اما هر دو حالت مشکلاتی را به وجود می‌آورد. این رفاقت اگر سر انجام به ازدواج انجامید، مرد با خودش می‌گوید دختری که چند سال است با من رفیق است شاید با چند نفر دیگر هم دوست بوده. کسی که اینقدر راحت و با بی‌حیاطی با من مرتبط می‌شود شاید با دیگران هم ارتباط داشته است. و من چگونه می‌توانم به او اعتماد کنم.

از طرف دیگر اگر هم به ازدواج کشیده نشود، آثار بدتری دارد و چون این زن مدتی مورد بهره‌مندی بوده و الان همسر مرد دیگری شده است باز مشکلاتی را به دنبال دارد. اشکال بزرگتر و مهم‌تر این نوع ارتباطها که موجب ویرانی دنیا و آخرت جوانان می‌شود، اشتغال فکر است. یعنی دو نفر در مدت طولانی دائماً افکارشان به یکدیگر مشغول است و این مشغولیت آنها را از پیشرفت در زندگی باز می‌دارد. چرا که نمی‌توانند با فکر آسوده و باز به زندگی روزمره بپردازند و در مورد کارهایش خوب فکر کنند و به نتیجه برسند. و آبادانی دنیای افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. آفت تحصیلی هم یکی دیگر از آفات این نوع رفاقت‌ها است. از نظر رشد معنوی نیز انسان را متوقف می‌کند و نمی‌گذارد از فرصت‌های خوب زندگی در راه رسیدن به کمال استفاده کند.

قرآن کریم نیز انسان را از این ارتباط نهی می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تُتَخَذِ الْأَخْدَانِ»^۴ یعنی حق ندارید که پسر یا دختری را به عنوان دوست انتخاب نمایید. در مورد آقایان نیز اگر از چشم مراقبت نشود و به هر نامحرمی می‌رسند نگاه کنند و با زن‌های دیگران مقایسه کند، باز دلسردی را در خانواده به ارمغان می‌آورد و زن احساس می‌کند که شوهرش فقط متعلق به او نیست و اعتمادش نسبت به مرد سلب می‌شود. بنابراین آیه شریفه سوره اعراف انسان را به استفاده از نعمت‌های انحصاری بهشت مشتاق می‌کند.

۲۱. یاد آخرت، درمان غفلت

بیست و یکمین عامل از عوامل ایجاد حب آخرت، توجه به اثر مهم یاد آخرت، یعنی درمان غفلت و نسیان از وجود انسان است.

^۴ «نه رفیق‌باز به نامشروع در نهان» مانده، ۵.

برای مثال مسافری را تصور کنید که در راه سفر، منظره‌های زیبا و جذابی را می‌بیند. این شخص اگر از رسیدن به مقصد غافل شود ممکن است برای استفاده از این زیبایی‌ها از ادامه حرکت بازماند. اما اگر به یاد رسیدن به مقصد باشد و آن را فراموش نکند، پیوسته برای رسیدن به آن حرکت می‌کند. یاد آخرت نیز چنین است.

اگر غفلت در وجود انسان رخنه کرد او را به چیزهایی ناشایست وابسته می‌کند. و از نیل به حقیقت باز می‌دارد. منظور از توجه به آخرت توجه به مقصد خلقت انسان، و توجه به زاد و توشه‌ای است که برای سعادت و خوشبختی در آنجا باید تحصیل کرد.

درمان غفلت

از دیدگاه روانشناسان، عارضه غفلت را نمی‌توان معالجه کرد، زیرا انسان غافل دچار دو غفلت است، یکی غفلت از آخرت و دوم غفلت از غفلت؛ یعنی هم غافل است و هم حواسش نیست که غافل است. برای همین در حین غفلت نمی‌تواند خود را معالجه کند و باید صبر کند تا خود به خود از غفلت خارج شود.

مانند کسی که جهل مرکب دارد - یعنی گاهی کسی چیزی را نمی‌داند و علم دارد که نمی‌داند. این شخص سؤال خود را می‌پرسد و دانا می‌شود.

اما اگر علاوه بر اینکه چیزی را نمی‌داند، علم به ندانستن هم نداشته باشد و گمان کند که می‌داند، در اینجا دو جهل گریبانگیر او شده است: یکی جهل به موضوع، و دیگری جهل به جهل.

انسانی که دچار جهل مرکب است چون نمی‌داند که نمی‌داند، نمی‌تواند جهل را از خود دور کند. انسان غافل هم همینطور چون توجهی به غفلت خود ندارد - زیرا اگر توجه داشت اصلاً غافل نبود بلکه ذاکر بود - نمی‌تواند آن را درمان کند.

اما به عقیده ما غفلت نیز درمان دارد و گاهی با دفع آن می‌توان از ورودش جلوگیری کرد. یکی از کارهایی که می‌توانیم برای دفع غفلت انجام دهیم، استقرار تذکر و یاد مرگ است. زیرا انسان مادامی که یاد آخرت و قیامت است نسیان و فراموشی به سراغش نمی‌آید و همواره ذکر و یاد خدا دلش را روشن و نورانی کرده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «وَيْلٌ لِمَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْعَفْلَةُ فَنَسِيَ الرَّحْلَةَ وَ لَمْ يَسْتَعِدَّ»^۵ یعنی وای به حال کسی که غفلت بر او غلبه کند و در نتیجه کوچ کردن را فراموش کرده و در اثر این فراموشی آماده مرگ نشود.

این سه جمله پشت سرهم و به ترتیب است یعنی یاد آخرت باعث دوری غفلت می‌شود و انسانی که غافل نیست کوچ کردن و رحلت از این دنیا را فراموش نمی‌کند و لذا خود را برای رفتن آماده می‌کند. در حدیث دیگری می‌فرماید: «أَلَا مُسْتَيَقِظٌ مِنْ غَفْلَتِهِ قَبْلَ نَفَادِ مَدَّتِهِ»^۶ یعنی آیا کسی نیست که از غفلتش بیدار شود قبل از این که عمرش تمام شود. انسان اگر تا در دنیاست بیدار شد، می‌تواند برای آخرت کاری کند و الا بیداری در آخرت نتیجه‌ای ندارد.

امام مجتبی (علیه السلام) در لحظات پایانی عمر شریفشان در پاسخ به جناده که درخواست نصیحت کرده بود فرمودند: «إِسْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِكَ»^۷ یعنی خود را برای سفر آخرت مهیا کن! و توشه ات را قبل از فرا رسیدن مرگت نیکو کن.

^۵ . غررالحکم و دررالکلم / ص ۷۲۷.

^۶ . غررالحکم و دررالکلم / ص ۱۷۶.

^۷ . بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۴۴ / ص ۳۹.

« الحمد لله رب العالمین »